



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۳/۱۴



حمید انوری

"می بخور، مصحف بسوزان، آتش اندر کعبه زن ساکن بتخانه باش و مردم آزاری مکن"

واگر مردم آزاری پیشه همیشه تو بوده باشی و از مردم آزاری لذت ببری و خون انسان ریزی و شهر ها را به آتش بکشی و هست و بود انسانها را به تاراج ببری و از کشته های انسانها پشته ها بسازی و آباده ها را به ویرانه ها مبدل بسازی و دین را به دنیا بفروشی و...، پیشیزی ارزش ندارد که یک کتاب بنویسی یا هزاره هزار کتاب!

برو "می بخور، مصحف بسوزان و آتش اندر کعبه زن"، برو "ساکن بتخانه باش"، اما مردم آزاری مکن!!!
چه سود که صد یا دوصد یا هزار جلد کتاب بنویسی و به یک سطر و یک صفحه آن اعتقاد نداشته باشی و کاملاً خلاف هر سطر و هر صفحه آنها عمل نمائی؟

آن مردک نامرد، آن رو سیاه رنگ زرد، آنکه عمریست خون هموطنان بی گناه و بی دفاع خود را بی دریغ ریخته است و شهر ها را به آتش و دود مبدل نموده و دستان جنایت گسترش تا مرفق به خون پاک هموطنان شریف ما رنگین است، آنکه با چشم سفید و روی سیه کشتار بی دریغ و بلاوقفه شهریان مظلوم کابل را "جهاد اکبر" گفته گلو پاره میکرد، آنکه...، بگذریم از این قصه پر غصه که با درد و دریغ سر دراز دارد؛ همان گلبدین راکتیار، همان قصاب بی عار که در واپسین روزهای زندگی فلاکتبار، شوق سفر کابل کرده است دگر بار، اگر واقعاً تا هنوز نمرده باشد، که خدا چنین نکند؛ با یک مشت افراد اجیر و شرف باخته خود گویا ترتیبات چنین سفر نامیمون را آماده می سازد.

از دیگر دنگ و دول که اینجا و آنجا اجیران بی مقدارش به راه انداخته و می اندازند هنوز که بگذریم، این تازه ترین دنگ و دول شان را در ذیل باهم مرور میکنیم و بر هرچه چشم سفید و دیده درا و بی چشم و رو و بی آبرو و بی وجدان و شرف باخته ای در استخدامش لعنت می فرستیم:



سیمینار علمی معرفی ۱۱۸ جلد کتاب حکمتیار در کابل تدویر

شد

کابل (پژواک، ۱۹ حوت ۹۵): اشتراک کنندگان سیمینار علمی

معرفی ۱۱۸ جلد آثار و تالیفات حکمتیار، رهبر حزب اسلامی را شخصیت علمی و فرهنگی خواندند و خواهان عملی شدن موافقتنامه صلح میان این حزب و دولت شدند.

اشتراک کنندگان بی عار این گویا "سیمینار"، در حقیقت هم به کتاب توهین کرده اند، هم به "سیمینار" و هم به "علم" و معرفت و هم به خون های پاک بیش از شصت و پنج هزار (۶۵۰۰۰) شهید کابل.

این سیمینار، امروز به اشتراک صدها تن از نمایندگان حزب اسلامی، نمایندگان دیگر احزاب سیاسی، مقام های حکومت، برخی اعضای شورای ملی و استادان پوهنتون در کابل تدویر شد.

داکتر غیرت بهیر عضو رهبری حزب اسلامی در این سیمینار گفت که گلبدین حکمتیار امیر حزب اسلامی افغانستان، با وجود مشکلات توانسته است که در جریان ۵۰ سال گذشته، آثار و تالیفات ارزشمندی داشته باشد.



در حقیقت بهتر است نوشته شود و گفته شود که "صدها تن" افراد بیکار، بی روزگار، بی عار و اجیر که از هم اکنون خواب های طلائی می بینند و فیل شان یاد هندوستان کرده است، در این گردهم آئی جمع گردیده و یک مشت افراد سیل بین و چک چکی شاید از روی کنجکاوی نظاره گر بوده باشد.

شاید از نظر غیرت بهیر "وجود مشکلات" فرا روی گلبدین همانا جنگ و جرم و جنایت و کشتار هموطنان مظلوم ما بوده باشد، ورنه او شاید صد ها جلد کتاب دیگر هم می نوشت.

ایکاش چنین میکرد و به دستور سازمان های جاسوسی بیگانه به کشتار بدون وقفه هموطنان ما نمی پرداخت. منظور غیرت بهیر بی غیرت که پوست او را مردم در چرمگری می شناسند، از "۵۰ سال گذشته" این است که گلبدین در زمان شهید داوود خان نیز در حالیکه یک مشت افراد شورشی را به کشتن داد و مشغول داد و معامله با نظامیان پاکستانی بود، باوجود آن مصروفیت های شوم، در آن هنگام نیز مشغول نوشتن گویا کتاب بوده است و...

او افزود که امضای توافقنامه صلح میان حزب اسلامی و حکومت افغانستان، زمینه را مساعد ساخت تا آثار و تالیفات امیر حزب اسلامی به معرفی گرفته شود.

یعنی اینکه "توافقنامه صلح"، هیچگونه ارتباطی به صلح ندارد، زیرا گلبدین دیگر در حدی نیست که کوچکترین تأثیر در راه برقراری صلح داشته بوده بتواند، بلکه فقط زمینه را مساعد می سازد تا چند درجن کتاب های کس مخوان را که احمد و محمود و کلبی و مقصود به نام او نوشته اند، به معرفی گرفته شود.

به گفته موصوف، آثار چاپ شده حکمتیار؛ شامل چهار بخش (فلسفه وجودی نهضت اسلامی، دفاع از دین، برافراشتن علم آزادی و درک دین) تمرکز شده است.

و اما چه سود که گلبدین اگر حتی یکی از این کتاب ها را در هنگام فراغت از آدم کشی و قتل و کشتار و تخریب و تجاوز و...، هم خوانده باشد، به یک حرف و یک جمله و یک سطر آن هم یک ذره اعتقاد و اعتماد و باور نداشته و ندارد. "فلسفه وجودی نهضت اسلامی" را گلبدین و حزب تروریستی اسلامی او در تبنانی با یک درجن تنظیم و حزب دیگر در سی (۳۰) سال گذشته عملاً به نمایش گذاشتند که هیچ ضرورتی به کتاب و کتاب ها ندارد.

"دفاع از دین" را هم مردم افغانستان و جهان با چشم و سر و بصورت عملی دیدند و درد آنرا با گوشت و پوست و استخوان خویش احساس نمودند. بازماندگان بیشتر از شصت و پنج هزار (۶۵۰۰۰) کشته بی دفاع تنها و تنها در کابل زیبا شاهد این مدعا هستند.

از "بر افراشتن علم آزادی و درک دین" از جانب گلبدین و حزب منفور تروریستی او مگر هیچ نباید سخن گفت که توهین بزرگ هم به آزادی و هم به دین است و هم به کتاب.

ادامه دارد....

